



از ملی شدن... تا... کودتا

سعیده شفیعی

برکسی پوشیده نیست که نهضت ملی شدن نفت ایران، در طول تاریخ نسبتاً طولانی مدت ما ایرانیان، به رغم کوتاهی عمرش، از دوران‌های شیرین، حماسه‌آفرین و سراسر تجربه و عبرت بوده و هست. این جنبش، اگرچه در کمتر از سه سال حاکمیتش مورد هجوم دشمنان داخلی و خارجی استقلال و آزادی و سربلندی این ملت قرار گرفت، برای آینده‌ی مردمان و ملت، الگو و نسخه‌ای بی‌بدیل باقی‌گذارد که راهنمای عملی برای حرکت آینده این ملت و سایر ملل محسوب می‌شود. ۲۸ مرداد نیز یادآور کودتای ننگین و سیاهی است که شیرینی نهضت ملی شدن صنعت نفت را در کام ملت ایران تلخ کرد. پرداختن به علل این واقعه و مشخص نمودن نقش و جایگاه هر کدام از عوامل وقوع آن، هنوز هم از مهمترین و مناقشه‌برانگیزترین رخدادهای کشور ماست. پنجاه و چهار سال پس از رخداد ۲۸ مرداد، هنوز هم در نگاه به سوی تحولات آینده زندگی ملتمان، پرسش‌ها و اگرهای بسیاری پیش روی ما قرار دارند. به برخی از آنها تاریخ دهه‌های گذشته پاسخ راستین را داده است، که اگر ما بر آنها ارزش گذاریم و آموزه‌هایی را به گوش بدرابیم، شاید بتوانیم با هوشیاری و خردمندی به راه رستگاری و خوشبختی ملت ایران رهنمون گردیم. به امید آن روز...



سال ۱۳۲۰ / مرداد ۲۸ / ۱۳۲۰
۸
کوش

زیر سلطه استعمار بزرگ

ایران قبل از آن که اهمیت نفت، به عنوان مهمترین ماده خام انرژی‌زا برای جهان سرمایه‌داری روشن گردد، زیر سلطه استعمار قرار گرفته بود. استعمارگران از اوایل قرن نوزدهم به کشور ما نفوذ کردند و رفته‌رفته استقلال ایران را با کسب امتیازات گوناگون پایمال ساختند. سرآمد این امتیازات، امتیاز نفت بود که اهمیت آن از اواسط قرن نوزدهم آشکار گردید. استعمارگران انگلیسی از اواخر سال‌های ۱۸۶۰ به این طرف، به دفعات درصدد کسب امتیاز نفت برآمدند. آنها یک دفعه در قرارداد معروف به رویتز، امتیاز نفت را گنجانند، دفعه دیگر در قرارداد معروف به بانک شاهنشاهی در ۱۸۹۱ نفت ایران را از آن خود دانستند، و بالاخره در قرارداد داری در ۱۹۰۱ به امتیازی، که از آن باید به عنوان اسارت‌بارترین امتیاز نفت نام برد، نایل آمدند. طبق قرارداد داری تمام ایران، به استثنای پنج ایالت شمالی، به امتیاز سرمایه‌های انحصاری نفتی انگلیس داده شد. قرارداد داری ابتدا قرارداد یک شرکت خصوصی بود.

در سال ۱۹۱۴ این قرارداد به تملک دولت انگلیس درآمد و شرکت انگلیسی غاصب سابق نفت، به عنوان اولین انحصار نفتی دولتی، به اهرم عمده غارت و سلطه امپریالیستی بر ایران تبدیل گردید.

ملی شدن نفت؛ سرآغاز راه

بسیاری از صاحب‌نظران، نهضت ملی کردن نفت را یک مبارزه برای حفظ منافع اقتصادی کشور تلقی و آن را از این دیدگاه خاص بررسی و داوری کرده‌اند. به همین دلیل انتقادهایی را نسبت به سازش‌ناپذیری دکتر مصدق در برابر پیشنهادهای بهبود شرایط و افزایش سهم ایران در قرارداد نفت روا داشته‌اند. آنان همین سازش‌ناپذیری را فراهم آورنده شرایط مناسب برای کودتای ۲۸ مرداد ارزیابی می‌کنند. در صورتی که مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت به هیچ وجه تنها دارای وجه اقتصادی نبود. از این روست که هدف از ملی کردن نفت را نباید تنها از دیدگاه اقتصادی آن مورد بررسی قرار داد، هر چند به دلیل سلطه استعمار انگلیس بر معادن

نفت سود سرشاری را عاید امپراتوری بریتانیا و در مقابل فقر و ستم را نصیب ملت ما می‌نمود، اما مهم آن جا بود که دولت انگلیس از طریق شرکت نفت در نهادهای مملکتی پایگاه‌هایی ایجاد کرده بود و از آن طریق بر همه امور سیاسی، نظامی، فرهنگی و مذهبی کشور نظارت تام داشت تا جایی که هر حادثه و رویدادی که در کشور اتفاق می‌افتاد مردم آن را از چشم انگلیسی‌ها می‌دیدند.

اهمیت جنبش ملی شدن نفت

در دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ به طور عمده حزب توده ایران بود که مردم ایران را متوجه خطر سلطه امپریالیسم و انحصارات نفتی می‌ساخت. اهمیت نقش شخص دکتر مصدق در آن بود که به ویژه بر ضرورت طرد شرکت غاصب سابق نفت تکیه می‌کرد. طبیعی است که هر دوی این کوشش‌ها، در تدوین و تدارک جنبش ملی شدن نفت، در یک جهت‌قرار داشت و نتیجه‌ی حاصل از آن نیز آگاهی مردم ایران به ضرورت طرد سلطه امپریالیسم و

انحصارات نفتی از ایران بود. متأسفانه آن چه در جریان جنبش ملی شدن نفت تحقق نیافت، اتخاذ چنین استراتژی و تاکتیکی بود. قبل از همه رهبران جنبش ملی شدن نفت و حتی خود دکتر مصدق، چنان که باید و شاید، نقش سرکوبگر امپریالیسم آمریکا را جدی نگرفتند. انتظار رهبران جنبش ملی شدن نفت به ایفای نقش میانجی از طرف امپریالیسم آمریکا همچنان تا به آخر به قوت خود باقی ماند. در نقطه مقابل این امر، رهبران جنبش ملی شدن نفت، دانسته یا ندانسته، در دام تبلیغات امپریالیستی بودند، که درباره خطر کمونیسم در ایران جنجال می کرد و بدین وسیله از نزدیکی ایران و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی جلوگیری می نمود. بدین وسیله عملاً به جنبش ملی شدن نفت ضربه می زد.

غالباً در بررسی اوضاع و احوال آن زمان، شکست جنبش ملی شدن نفت را به روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منحصر می سازند و حتی آن را به کوتاهی حزب توده ایران نسبت می دهند، حزبی که در جنبش ملی شدن نفت، حتی از فعالیت علنی نیز محروم بود. اینها اگر از روی ناآگاهی نباشد، غرض ورزی و وارونه جلوه دادن حقایق است. واقعیت این است که شکست جنبش ملی شدن نفت، در اساس استراتژی و تاکتیک رهبران جنبش ملی شدن نفت نهفته بود. این استراتژی و تاکتیک بود که، نه در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بلکه در جریان دو سال و نیمه جنبش ملی شدن نفت، هر روز اثر بیشتری در جهت ضعف جنبش می گذاشت و در نهایت آن را به شکست محکوم ساخت.

۲۸ مرداد....

این انگاره همه گیر در ایران که "همه چیز زیر سر انگلیسی هاست" پس زمینه ای بسیار منطقی و واقعی دارد. واضح است ملتی به عظمت ملت ایران که در طی چند هزار سال موجودیت و همبستگی خود، جهان را مدیون دانش و فرهنگ خود کرده، همیشه در اندیشه های فلسفی و جنبش های مردمی پیشگام و بدعت گذار بوده، و اشغال کنندگان وحشی و بی فرهنگ را در طول تاریخ خود رام و با فرهنگ و متمدن کرده، نمی تواند سلطه یک کشور بیگانه را، حتی اگر نیرومندترین و با نفوذترین امپراتوری روز

بزرگی مصدق به ملی کردن نفت نیست، بلکه به روشی است که از آن برای این کار استفاده کرد

خود به سیاست بازگشت و در سال ۱۳۲۲، نماینده اول مردم در مجلس چهاردهم شد. آنچه در نهضت ملی شدن نفت مهم است موضع انگلستان و دخالت آمریکا در براندازی دولت مصدق است که به علت پیروزی او بر امپراتوری بریتانیا در ملی کردن صنعت نفت ایران و شکست دادن و کمک به زوال این امپراتوری است. انگلستان در آن زمان با وجود از دست دادن هندوستان، هنوز ایران را قلمرو نفوذ خود می شمرد، استقلال سیاسی ایران را به رسمیت نمی شناخت و دولت مصدق را به علت عدم تمکین به خواست های دولت انگلستان یاغی می شمرد، و حاضر به هیچ گونه مذاکره با یک دولت متمرّد نبود! بیش از یک سده جولان آزاد در فضای سیاسی ایران، این کشور را جزوی جدانشدنی از سیاست خارجی دولت انگلستان کرده بود که آنها نمی توانستند آن را به آسانی به کنار گذارند. انگلستان هنوز در نوستالژی گذشته به سر می برد و سیاستمدارانش با واقعیات روز جهان همساز نبودند.

مصدق با اقدام به ملی کردن صنعت نفت، با بزرگترین و آخرین امپراتوری سنتی جهان رویارو شد و در برابر شگفتی و ستایش جهانیان، آن را شکست داد. با این کار، او نه تنها حقوق مردم ایران را زنده کرد، بلکه احساس اعتماد به نفس و غرور ملی را پس از بیش از یک سده ذلت و تحقیر، عمدتاً به دست انگلستان، به ملت بازگرداند و ایران را به عنوان یک کشور مستقل، آزاد و دموکرات در جهان مطرح کرد. آنچه در جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران پراهمیت است، قانونی بودن مبارزه آن است. مصدق نه از راه جنگ، نه از راه انقلاب، نه از راه شورش و البته نه از راه ترور و خشونت، بلکه از راه قانونی و با کاربرد ابزار دموکراتیک، با یک دیپلماسی هوشمند، با جهان بینی، با حفظ حقوق دشمن، با احترام به منشور سازمان ملل و اصول حقوق بشر موفق به این پیروزی بزرگ و تاریخ ساز شد. بزرگی مصدق به ملی کردن نفت نیست، بلکه به روشی است که از آن برای این کار استفاده کرد.

دکتر مصدق در سال ۱۹۵۲ توسط مجله معتبر آمریکایی تایم به عنوان مرد سال انتخاب شده بود، عنوانی که شاه سابق ایران برای به دست آوردن



جهان باشد، برای مدت زیادی تحمل کند. اکنون زمینه برای ظهور یک رهبر مردمی فراهم بود. مردم تشنه دموکراسی و احقاق حقوق خود بودند و به رژیم موجود که بازمانده فساد قاجار و دیکتاتوری رضاشاهی و نشانه نفوذ بیگانه در سیاست و اقتصاد کشور بود، اعتماد نداشتند. دکتر محمد مصدق، که در آن زمان به علت مخالفت هایش با دیکتاتوری رضاشاه و عملکرد خویش در مقام های رسمی و در مجالس گذشته، محبوبیت زیادی در میان مردم داشت، در این زمان از کناره گیری پانزده ساله اجباری

کنسرسیوم بین المللی نفت در عرض کمتر از ۲۵ سال بیش از ۳ میلیارد تن نفت ایران را با قیمتی در حدود یک دلار در هر بشکه به غارت برد

همه کار کرد و موفق نشد ولی شاهد آن شد که در سال ۱۹۸۰ بار دیگر این عنوان به یک ایرانی داده شد: امام خمینی. دکتر مصدق علاوه بر قهرمانان استقلال در کشورهای شرقی همانند جمال عبدالناصر، پاتریس لومومبا، مائوتسه تونگ، قوام نکرومه، جواهر لعل نهرو، احمدین بلا و احمد سوکارنو که از وی به عنوان الگوی خود نام برده‌اند، توسط سیاستمداران اروپایی هم عصر خود به عنوان کسی که در آغاز دوران جنگ سرد و دو قطبی اولین نهضت غیرمتمدن را در بخش مهمی از جهان رهبری کرد، نام برده شده است.

جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری مصدق بزرگ موجب قطع دست استعمار انگلیس از منابع اقتصادی و نهادهای سیاسی و اجتماعی گردید و در نتیجه پس از دو قرن ایران به استقلال کامل و مردم‌سالاری رسید. پیروزی ملت ایران در این نبرد بزرگ موجب بیداری ملت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا شد و به پیروی از جنبش ملی ایرانیان، آنها نیز علیه سلطه بیگانگان به پا خاستند. در این پیروزی بزرگ تاریخی، شهید راه آزادی و بزرگی ایران زمین دکتر حسین فاطمی سهم ارزنده‌ای را داشت. او بود که برای نخستین بار طرح ملی شدن صنعت نفت را به مصدق بزرگ پیشنهاد نمود و بدین ترتیب کینه و خشم دولتمردان انگلستان را علیه خود برانگیخت. برای خشنودی "دولت فخیمه" بود که حکومت کودتا دکتر فاطمی را با تنی مجروح و بدنی تبار به جوخه اعدام سپرد تا دیگر کسی جرات نداشته باشد در برابر منافع نامشروع استعمارگران قد علم نماید.

۲۹ اسفند، سالروز تصویب قانون ملی شدن نفت است. تصویب این قانون نتیجه‌ی مبارزات مداوم مردم ایران علیه سلطه انحصارات نفتی بود، که خود سرآغاز جنبش ملی شدن نفت، به عنوان جنبشی ضدامپریالیستی در راه تامین استقلال و آزادی قرار گرفت. در این جنبش، که با استقرار حکومت ملی دکتر مصدق، خلع ید از شرکت نفت، طرد لانه‌های جاسوسی انگلیس از ایران و بالاخره فرار شاه از ایران همراه بود، پیروزی‌های بزرگی نصیب مردم ایران گردید. اما نقاط ضعف جنبش ملی شدن نفت، که در ابتدا اندک بود، و در رفع آنها در جریان جنبش کوتاهی شد، در نهایت به شکاف‌های عظیم در جنبش تبدیل گردید. امپریالیسم و ارتجاع درباری فرصت یافتند که با کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نتایج مهم جنبش ملی شدن نفت را از بین ببرند و دیکتاتوری شاه را یک ربع قرن بر مردم ایران تحمیل کنند.

نتایج کودتای ۲۸ مرداد

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بزرگترین ضربه ممکن را به کشور ما وارد ساخت. ایران می‌توانست از آغاز نیمه دوم قرن بیستم، با تکیه بر پیروزی‌های جنبش ملی شدن نفت، وسیعاً در جاده پیشرفت اقتصادی و اجتماعی گام بگذارد و به یکی از کشورهای پیشرفته بدل شود. متأسفانه شکست جنبش ملی شدن نفت، مردم ایران را از استفاده از یک چنین موهبت تاریخی محروم ساخت. کودتای ۲۸ مرداد، ایران را به دوران سیاه و نکبت‌بار غارت و

اسارت نواستعماری سوق داد. ثمره یک ربع قرن استبداد محمدرضاشاهی زنده‌تر از آن است که احتیاج به بازگو کردن داشته باشد. در زمینه غارت کنسرسیوم بین‌المللی نفت، که جایگزین شرکت غاصب نفت گردید، همین بس که طی سال‌های تسلط آن، غارت نفت ایران صدها برابر بیشتر شد. بسیار جالب توجه است اگر بدانیم شرکت غاصب سابق نفت، طی پنجاه سال تسلط خود، ۳۰۰ میلیون تن از نفت ایران را غارت کرد. کنسرسیوم بین‌المللی نفت نیز در عرض کمتر از ۲۵ سال، بیش از سه میلیارد تن نفت ایران را با قیمتی حدود یک دلار در هر بشکه به غارت برد!

اهمیت این نکته آن زمان مشخص می‌شود که بدانیم تا پیش از جنبش ملی شدن نفت، یک شرکت غارتگر بر نفت ایران تسلط داشت اما پس از کودتا، همه اعضای کارتل بین‌المللی نفت (هفت خواهران نفتی) بر نفت ایران تسلط یافتند و در پی آنها، همه انحصارات نفتی از کلیه دول امپریالیستی بر سر خوان یغمای غارت نفت ایران نشستند. طی سال‌های تسلط کنسرسیوم بین‌المللی نفت، بیش از ۳۰۰ میلیارد متر مکعب گاز سوزانده شده، که درآمد آن، به بهای امروز، ده برابر بیش از تمام پولی است که تحت عنوان درآمد نفت به کشور ما داده شده است. جنبش ملی شدن نفت یک رویداد تاریخی است. باید از درس‌های گران‌بهای این جنبش، پیوسته در مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه مردم ایران استفاده کرد، نقاط قوت آن را به کار برد و از اشتباهات و ضعف‌های آن پرهیز کرد.

